

تفسیر آیه وقایه با رویکرد تربیتی

علی اسعدی*
محمد کاظم شاکر**
سید علی حسینی زاده***

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارکردهای آیات قرآن، تربیت و تهذیب نفوس است. از این‌رو، تفسیر قرآن با رویکرد تربیتی یکی از غنی‌ترین رویکردهای تفسیری است. این رویکرد با توجه به اهداف تربیت دینی، که همان ایجاد رفتار صحیح، حذف رفتار ناصحیح و نیز اصلاح برخی رفتارها است، در صدد است تا با الهام از قرآن این اهداف را تحقق و تعالی بخشد. قرآن کریم هم در سبک و ساختار بیان و هم در درون مایه و محتوایش، منبع مهمی برای مرتبان و مترتبان است. این مقاله می‌کوشد با اندیشه در آیه ششم سوره تحریم و با توجه به اصول و روش‌های تربیت دینی، به آنچه این آیه بدان اشاره دارد و یا می‌تواند الهام‌بخش آن باشد، دست یابد. نویسندگان امیدوارند که نوع نگاه عرضه شده، تعالی‌بخش حرکت در جهت ساماندهی رویکرد تربیتی در تفسیر باشد.

واژگان کلیدی

آیه ۶ تحریم، آیه وقایه، تفسیر تربیتی، روش‌های تربیتی، اصول تربیتی.

a.omid54@gmail.com
mk_shaker@yahoo.com
ali_hosseini@rihu.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲

*. دانشجوی دکتری دانشگاه قم، (نویسنده مسئول)
**. استاد دانشگاه علامه طباطبایی.
***. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱

طرح مسئله

یکی از گرایش‌های تفسیری که در سده‌های اخیر مورد توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان قرار گرفته رویکرد تربیتی است. اساس این رویکرد برجسته کردن ابعاد تربیتی قرآن و کشف معارف تربیتی آن است. تفسیر تربیتی در معنای عام به ارائه معارف تربیتی و انسان‌ساز قرآن با هدف عمل‌گرایی و تحول‌سازی فردی و اجتماعی می‌پردازد، اما در معنای تخصصی، به طور عمده بر محورها و مسائل بنیادین دانش تعلیم و تربیت متمرکز شده، سعی در استخراج عناصر نظام تربیتی و یا مستند کردن مباحث تعلیم و تربیت به قرآن و به‌طور کلی تعامل میان قرآن و دانش تربیت دارد. (بنگرید به: اعرافی، ۱۳۹۳: ۴۰ و ۷۳ - ۷۲؛ اعرافی، بناری و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۶) مفسر تربیتی با قرآن‌شناخت ویژه خود که بر محور اهداف و مقاصد اصلی نزول قرآن استوار است و با دغدغه‌ای که نسبت به این مسئله احساس می‌کند و نیز با تسلط و اشرافی که بر عناصر نظام تعلیم و تربیت دارد و با نوع نگاه به تفسیر که آن را فراتر از بیان الفاظ و سطوح اولیه فهم قرآن می‌داند (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۸) به ژرف‌کاوی در قرآن پرداخته و آموزه‌های تربیتی آن را از تمام آیات؛ اعم از آیات اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، فقهی، اقتصادی و تاریخی استخراج می‌کند. دیدگاه مفسر در قلمرو تربیت که آن را ناظر به تمام ابعاد وجود آدمی (جسمانی، روحانی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی) و تمام ساحت‌های زندگی (اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و عبادی) می‌داند به او مدد می‌رساند تا سطح گسترده‌ای از آیات را به خدمت درآورد (اعرافی، بناری، رضایی، ۱۳۸۷: ۲۰ - ۱۹؛ ناطقی، ۱۳۸۷: ۲۷) و چهره کاربردی و جذابی را از قرآن ارائه کند. تلاش‌های ژرف‌تر و تخصصی‌تر این عرصه می‌تواند به ارائه «نظام جامع تربیتی قرآن» و دستیابی به «نظریه تربیتی اسلام» منجر شود؛ اگرچه این تلاش‌ها در ابتدای راه قرار دارد، اما اقبال قرآن‌پژوهان، امیدبخش حرکتی پرشتاب و تجلی‌بخش افق‌های نو در نگرش به قرآن است.

عناصر نظام تربیتی، مسائلی چون مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، موانع، آسیب‌ها و مراحل تعلیم و تربیت (محبوب، ۱۴۰۸: ۳۰۷ - ۱۵۱؛ باقری، ۱۳۸۳: ۱۸۵ - ۵۳؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۰ - ۵) را دربر می‌گیرد. در اینجا این سؤال مطرح است که با توجه به عناصر نظام تربیتی چه نکات و ظرایف تربیتی را می‌توان از آیه ششم سوره تحریم - که می‌توان آن را آیه وقایه نامید - استخراج نمود؟

تفسیر مختصر آیه وقایه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. (تحریم / ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست؛ [آتشی] که فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر بر آن [گماشته شده] اند، که خدا را در آنچه فرمانشان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند و آنچه را مأمور شده‌اند، انجام می‌دهند.

«قوا» فعل امر از مصدر «وقایه» به معنای «حفظ کردن شیء از چیزی که به آن ضرر می‌زند» است. «وقود» اسم هر چیزی است که آتش به وسیله آن مشتعل می‌شود، مانند هیزم (آتش گیره) (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۱۹۸ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۳۴) «غلاظ» جمع «غلیظ» ضد «رقیق» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۴۹) به معنای تند رفتار و درشت‌خو (قرشی، ۱۳۷۱: ۵ / ۱۱۵) و «شداد» جمع «شدید» به معنای قدرت صلابت و نیرومندی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۳۳)

آیه شریفه از مؤمنان می‌خواهد خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ حفظ کنند. آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ‌ها هستند. «حفظ از آتش» مصادیق گسترده‌ای دارد و هر تلاشی را که به گونه‌ای باعث حفظ خود و خانواده از آتش دوزخ و دستیابی به سعادت ابدی می‌گردد را شامل می‌شود. امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، یاد گرفتن و یاد دادن عقاید، احکام و اخلاق، تذکر و نصیحت و پاکسازی محیط خانواده، از جمله این اقدام‌ها است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۷، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۸۶) ویژگی آتش دوزخ آن است که آدمیان و کردارهایشان و نیز سنگ‌هایی که در قالب بت‌ها و معبودها پرستیده می‌شدند، هیزم این آتش‌اند، چنان‌که در آیه «إِذْ كُفِّرُوا بِنُحْتِهِمْ فَوَقَّوهُمُ وَمَا عَدَّتْ وَعَدَّتْ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ» (انبیاء / ۹۸) بر این حقیقت تأکید شده است. مراد از «حجاره؛ سنگ‌ها» افزون بر نظر پیش گفته، می‌تواند اشاره به سنگ کبریت که اشتعال فوق‌العاده‌ای دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۵۹)؛ یا مطلق سنگ‌ها باشد؛ چراکه براساس دانش روز، هر قطعه از سنگ‌ها مرکب از میلیاردها هسته اتم است که آزاد شدن انرژی درونی آنها می‌تواند آتش خیره‌کننده‌ای را بر پا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۸۷) تأکید بر خشونت رفتاری و صلابت و نیرومندی فرشتگان عذاب: «عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ» و نیز نشانه‌ای بر این شدت عمل، که فرمان پروردگارش را عصیان نمی‌کنند و مطیع محض فرمان اویند: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» بر هول‌انگیزی این عاقبت وحشتناک می‌افزاید و زمینه‌ساز توجه به هشدار قرآن در بازداشتن خود و خانواده از آتش دوزخ می‌گردد. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۳۴)

فرآورده‌های تربیتی آیه وقایه

این آیه با خطابی فراگیر به مؤمنان، ستون‌های کاخ باشکوه اصلاح و تربیت را پی‌ریزی می‌کند.

دستوری بنیادین که عمل به آن ضامن تربیت فرد، خانواده و اجتماع، و تأمل در آن، الهام‌بخش بسیاری از مبانی، اصول، روش‌ها و توصیه‌های تربیتی است.

الف) آیه وقایه، امکان و ضرورت تربیت

امکان و ضرورت تربیت از سرفصل‌های مباحث تربیتی است. (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۳۷) این آیه هم بر امکان تربیت و هم بر ضرورت آن تأکید می‌کند. فرمان بر امر غیر ممکن و عذاب و مجازات بر آن، برخلاف عدالت و حکمت خداوند است. از سوی دیگر، فرمان تأکیدی «قوا»، و تهدید شدید بر عذاب سخت و بی‌مسامحه نشان از ضرورت تربیت دارد. تأکید بر این حقیقت سخن سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام است که گفت: «مرا اهل بیته است که حرف مرا می‌شنوند، آیا آنان را به این امر بخوانم؟ امام فرمود: «آری، خدای عزوجل در کتابش فرموده است: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۷۲)

ب) اهداف کلی تربیت در آیه وقایه

اهداف کلی تربیت بر محورهای زیر استوار است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۷۷)

اصلاح رابطه انسان با خداوند: برای تداوم رابطه بندگی و ایمانی باید به توصیه‌های آیه عمل کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا».

اصلاح رابطه انسان با خود: حفظ خود از آتش نیازمند اصلاح روابط انسان با خود حقیقی و زدودن تمام آلودگی‌هایی است که موجب آتش اخروی می‌گردد: «قُوا أَنْفُسَكُمْ». (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۳۱۶)

اصلاح رابطه خود با خانواده: سامان‌دهی ارتباط انسان با خانواده که در قالب حقوق خانواده در قرآن و روایات منعکس شده است در فرمان کلی و تأکیدی «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» مندرج است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۷؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۷۲)

اصلاح رابطه خود با جامعه: انسان با پاکسازی واحد کوچکی از جامعه (خانواده) رابطه اصلاح‌گرانه خود را با جامعه آماده می‌نماید؛ ضمن آنکه واژه «أهلیکم» گستره معنایی وسیع‌تری از یک خانواده متشکل از والدین و فرزندان دارد. شاید بتوان «أهل» را تمام کسانی دانست که انسان به نوعی بر آنان نفوذ کلامی، معنوی و رفتاری دارد. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۷۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۵۶۰)

در پرتو اصلاح رابطه انسان با خداوند، خود و دیگران، رابطه با عناصر دیگر مانند طبیعت و تاریخ نیز اصلاح خواهد شد؛ حتی بر پایه برخی روایات، اصلاح رابطه با خداوند سامان‌بخش رابطه با عرصه‌های دیگر حیات بشری است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۲۹۸)

ج) آیه وقایه و مسائل مبنایی تربیت

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بیانگر عنصر محوری «هدف و غایت تربیت» به‌عنوان یکی از مسائل مبنایی تعلیم و تربیت است. هدف تربیت در این آیه «ایجاد انسان، خانواده و جامعه ایمانی است»؛ هرچند خطاب پروردگار به‌عنوان مربی، به همه انسان‌هاست (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۴۲۳) اما اختصاص خطاب به مؤمنان نشانگر بهره‌گیران نهایی از این خطاب (مؤمنان) و نیز شرط این بهره‌گیری است. (ایمان)

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تلویحاً «مانع تربیت» ایمانی را کفر (عدم ایمان) می‌داند؛ همچنین این خطاب تأکید می‌کند که بهترین «راه تربیت»، که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازهای وجود اوست، راه وحی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۹)؛ از این‌رو در این آیه خداوند به‌عنوان مربی و انسان مؤمن به‌عنوان متربی مورد خطاب قرار گرفته است و انسان مؤمن کسی است که به غیب و وحی ایمان دارد. (بنگرید به: بقره / ۴ - ۳)

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» تلویحاً به اختیار و تربیت‌پذیری انسان که از مبنای انسان‌شناسی تربیت است، اشاره دارد. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۳۸ و ۱۵۷)؛ زیرا امر خداوند حکیم بر غیر ممکن محال است.

آیه وقایه با بیان مسئولیت و عاقبت انسان مؤمن (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۳۱۶) هدفمندی حاکم بر آفرینش انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد که مرتبط با مبنای مهم هستی‌شناسی در تربیت قرآنی است. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۹۰)

فراز «قُوا أَنفُسَكُمْ» پس از خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تأکید می‌کند که مسیر تربیت انسان از خود او می‌گذرد (قرآتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰) و اگر انسان خود، این مسیر را ببندد تلاش‌های بیرونی به نتیجه نمی‌رسد؛ متقابلاً مانع اصلی تربیت نیز همان رهاسازی نفس چموش در منجلاب هواهای نفسانی و عدم کنترل و مراقبه پیوسته آن است. بنابراین به بند کشیدن نفس عامل کامیابی و رهاکردن افسار آن، عامل سقوط در دره هلاکت است.

د) اصول تربیتی در آیه وقایه

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مرتبط با اصل «انگیزش» است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷) خطاب مربی به فرد یا گروه خاص، مایه جلب توجه و تمرکز بیشتر و در نتیجه افزایش انگیزه یادگیری و توجه به محتوای آموزشی است.

واژه «قوا» متناسب با اصل مهم تربیتی «پیشگیری، مقدم بر درمان» (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

و متناسب با اصل عقلی «ضرورت دفع خطر احتمالی» است؛ چراکه اگر نفس و خانواده به حال خود رها شوند، خواه ناخواه به‌سوی آتش دوزخ پیش می‌روند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۴ / ۲۹۳) و ایمن‌سازی خانواده، وظیفه اولیای آنان است. از سوی دیگر نگهداری خود از آتش، به صورت دفعی و به هنگام برخورد با گناه ممکن نیست، بلکه چنان‌که برای حفاظت از آتش، تدابیر مقدماتی و ایمنی تدارک می‌شود، در نگهداری خود و خانواده از آتش نیز، پیشگیری مقدم بر درمان است. نگهداری خویشتن، با ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات میسر می‌گردد و نگهداری خانواده، با تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۷) و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. (مکارم شیرازی، همان: ۲۸۷)

آلوده نشدن به لقمه حرام و شبهه‌ناک، پرهیز از معاشرت‌های حرام، تقویت ایمان و باورهای دینی، کنترل چشم و گوش و زبان و قلب، شناخت ردایل و روش‌های زدودن آن و شناخت تأثیر مخرب آن بر زندگی ایمانی، شناخت فضایل و روش‌های تحصیل آن و نقش آن بر حفظ پاکی، ازجمله توصیه‌های پیشگیرانه قرآن و روایات برای تحقق «قُوا أَنْفُسَكُمْ... تَارًا» است و این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده؛ یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. (مکارم شیرازی، همان: ۲۹۳)

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطابي دو سوپه است و ارزش خطاب به هر دو سو بستگی دارد. یک سوی این خطاب، خداوند و سوی دیگر آن اهل ایمان‌اند. خطاب حضرت رب الارباب به آدمی، خطاب کرامت و نشان از توجه ویژه او به مقام «انسان مؤمن» است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۱ / ۳۰۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۵۷) و به مریبان «اصل کرامت» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۰ - ۲۱۶؛ باقری، ۱۳۸۳: ۱۳۲) را گوشزد می‌کند؛ به این معنا که آنان شاگردان ویژه و لایق خویش را با کلامی کرامت‌بخش مورد خطاب قرار دهند. لذت خطاب الهی قلب مؤمن را سرشار از شغف می‌سازد و سختی و مشقت اطاعت را هموار می‌سازد، چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لذة ما في النداء ازال تعب العبادة و العناء؛ لذت این خطاب، سختی و مشقت عبادت را از بین برده است». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۴۹۰)

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» متناسب با اصل «ضرورت استمرار تربیت» به‌عنوان یکی از عناصر مهم تربیتی است؛ (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۲۵) زیرا همچنان‌که ایمان باید در انسان مؤمن دائمی و مستقر باشد نه مقطعی و عاریتی (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۷۵۰)، اصل مراقبه و محافظت نیز نیازمند استمرار و دوام است. یک نگاه کوچک برای یک گناه بزرگ، یک جرعه کوچک برای انفجار یک انبار باروت، یک سخن کوتاه برای بردن آبروی ده‌ها ساله یک انسان و یک موضع‌گیری شیطانی برای به‌فتنه کشاندن یک جامعه

کفایت می‌کند؛ پس باید پیوسته مراقب بود تا لباس ایمان و تقوا همواره بر قامت انسان برقرار باشد. «مسئولیت‌دهی» از «اصول تربیت» (باقری، ۱۳۸۳: ۱۰۵) و «مسئولیت‌پذیری» از نشانه‌های یک تربیت صحیح است؛ ضمن آنکه تأکید بر مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر نشانگر بعد اجتماعی اسلام و پرهیز از عزلت‌گزینی و خودمحوری است. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۶ / ۱۱۶) قرآن کریم در این آیه با سپردن مسئولیت مربی‌گری به مؤمنان، بر نقش آنان در پاکسازی محیط دینی و فرهنگی خویش تأکید می‌کند و آن را نشانه حیات ایمانی وی می‌شمارد.

اصل «وظیفه‌گرایی به جای «نتیجه‌گرایی» که در امتداد مسئولیت قبلی مطرح می‌شود، اصلی مهم در تربیت دینی انسان مؤمن است. والدین و مربیان و نیز دعوتگران اجتماعی موظف به ادای مأموریت خویشند و عدم قبول دیگران و نتیجه بخش نبودن آن، سلب مسئولیت نمی‌کند. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۷۳)

اصل «سنخیت و تناسب» و «تخصص‌گرایی» در حوزه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت و مدیریت مورد تأکید است. مربی به تناسب کار خویش باید از لطافت روحی و در عین حال قوت و قدرت جسمی و روحی کافی برخوردار باشد. تأکید بر «غیلاظ» و «شِداد» بودن مأمور عذاب را می‌توان در همین راستا تحلیل کرد (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۶۱۸)؛ اگر مسئول دوزخ، «غیلاظ» و «شِداد» نباشد، نمی‌تواند به رسالت خود به درستی عمل کند و آزار می‌بیند. (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰)

براساس اصل قرآنی «تجسم عمل»، که پیام تربیتی مهمی دارد، ظاهر رفتارهای دنیوی ما از بین می‌روند، اما باطن و حقیقت آنها بر ساحت روح باقی مانده در قیامت مجسم می‌شوند. باطن گناه، آتش است و همین آتش مهیا شده در دنیا، از باب تجسم عمل (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۳۴) در عرصه قیامت بالای جان آدمی است. تمامی گناهان و رفتارهای زشت دنیوی جلوه‌ای آتش‌گونه دارد؛ یا دلی را می‌سوزاند یا الفت و اتحاد خانواده و جامعه‌ای را به آتش می‌کشد؛ یا عرض و آبروی و دارایی جمعی را به حریق می‌کشاند؛ از این رو «نار» مصادیقی به وسعت تمامی گناهان دارد و متقابلاً «قوا» به وسعت تمامی راهکارهایی است که می‌توان در برابر گناه؛ قبل عمل، حین عمل و بعد از آن اتخاذ کرد. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۸ / ۴۴۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۳۱۷)

«فرزندسالاری» و تسلیم بی‌چون و چرای والدین در برابر خواسته‌های فرزندان از موانع و آسیب‌های تربیت دینی و توجه به آن یک اصل تربیتی است. آموزه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ» که در نموده‌های ارشاد، نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر و در آخرین مرحله و بنا به ضرورت، تنبیه (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۵ / ۱۳۴) واکنشی قرآنی در برابر فرزندسالاری است. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۶۶)

ه) روش‌های تربیتی در آیه وقایه

«خطاب»، از روش‌های تربیتی قرآن است که ثمرات ارزشمندی دارد؛ به آدمیان شخصیت می‌دهد و از آنان انسان‌هایی متعهد و مسئول می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۵۷)

خطاب به اهل ایمان، نمونه عملی «خطاب به ارزش‌ها و فضیلت‌ها» و متناسب با روش تربیتی «تشویق» است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۳۲) با خطاب به اهل ایمان، ارزش ایشان به‌خاطر ایمان، مورد توجه مربی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۵۷)؛ ضمن اینکه خطاب بی‌واسطه الهی می‌تواند نشانگر لطف و توجه ویژه الهی (همو، ۲ / ۳۵۸) و جایگاه رفیع مخاطب و عظمت موضوع آیه باشد، چنان‌که حدود ۹۰ بار در قرآن خطاب به «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، «يَا عِبَادِي الَّذِينَ اتَّقُوا» به کار رفته و معدود موارد خطاب به «يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا، أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ» نیز یا با واسطه است «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و یا مربوط به قیامت. خطاب‌های دیگری مانند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ، يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ» نیز می‌تواند در گروه اهل ایمان به حساب آید. از بیست مورد خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» نیز حداقل پنج مورد با واسطه «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده و بقیه موارد نیز موضوع خطاب، شرافت و اهمیت ویژه‌ای داشته است.

«تلفیق ایمان و عمل» از روش‌های تربیتی اسلام است. (شریعتمداری، ۱۳۶۶: ۲۴۰) در این آیه به دنبال ایمان، تقاضای عمل ایمانی؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر و پاکسازی محیط فردی و اجتماعی شده است. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۸ / ۴۴۱)

«مجاهده در راه حق» از روش‌های تربیت اسلامی است (شریعتمداری، همان) نگاهبانی پیوسته از حریم ایمانی وجود خویش که در جهاد پیوسته با نفس تحقق می‌یابد و روش تربیتی دیگری به نام «مراقبه» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۱۸) را گوشزد می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰) و محافظت از خانواده که در قالب تربیت دینی، امر به معروف و نهی از منکر و ... متبلور می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۴۴) نمونه‌ای از مجاهدت مؤمنان در عرصه جنگ نرمی است که کودکان، نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها را نشانه گرفته است.

«امر به معروف و نهی از منکر» از روش‌های تربیتی اسلام است. (شریعتمداری، همان) خداوند در این آیه خود به مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. در روایات نیز شیوه حفظ بستگان از آتش دوزخ مورد اشاره در این آیه، امر به معروف و نهی از منکر آنان دانسته شده است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۷۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۴۴)

۴. «خوف‌آفرینی و انذار» از روش‌های تربیتی است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۳۱۷) که ریشه در

ویژگی‌های روان‌شناختی انسان دارد؛ چه آنکه آدمی به صورت طبیعی گرایش به اموری دارد که برای او مایه لذت و منفعت است و از امور دردآفرین و مشقت‌ساز گریزان است. (داوودی، ۱۳۸۶: ۱۶۳)؛ از این‌رو در بسیاری از موارد، انسان لذت اندک‌آنی را بر لذت بیشتر آتی ترجیح می‌دهد، اما اگر در لذت اندک‌آنی، عذاب دهشتناک آتی، نهفته باشد، می‌تواند عامل بازدارنده قوی باشد.

«تذکر» از روش‌های تربیتی (باقری، ۱۳۸۳: ۱۴۶) و به‌معنای یادآوری خداوند، نعمت‌ها، مرگ و پیامدهای آن (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۶۲) و به‌طور خلاصه هر آن چیزی است که غفلت‌ها را می‌زداید و به تعبیر امام خمینی در مجاهده با نفس و شیطان معاونت کامل می‌نماید. (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰) خداوند در این آیه انسان‌های مسئولیت‌گریزی را که غذای جسمی خانواده را فراهم می‌سازند اما از غذای روحشان غافلند، جهنم جانسوزی را متذکر می‌شود که محصول کاشته این دنیایی آنان است؛ بدین‌سان روش تربیتی «مواجهه با نتایج اعمال» را نیز به کار می‌گیرد. (باقری، همان: ۱۰۶)

«برانگیختن شفقت» و «تحریک عواطف» (نحلاوی، ۱۴۲۰: ۲۱۶) از روش‌های تربیتی است. آدمی خود و خانواده خویش را دوست دارد و در راستای دفع خطرات آن تلاش می‌کند. خداوند در این آیه از این عنصر بهره می‌گیرد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳ / ۷۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۷۶) و خطرات ناشی از کم‌کاری تربیتی را گوشزد می‌نماید.

«موعظه» از روش‌های تربیتی است. (شریعتمداری، همان) خداوند با بیان مسئولیت‌مدیران خانواده، آنها را با پند و اندرز از سرنوشت و تبعات مسئولیت‌گریزی آگاه می‌سازد. مؤمنان نیز وظیفه دارند که با پند و اندرز، زمینه‌های گرایش آنان به‌سوی مسائل دینی و پرهیز از آفات مادی و معنوی را ایجاد کنند، از این‌رو در تفاسیر، «موعظه» یکی از روش‌های اجرای فرمان «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» است، بر این اساس برخی از مفسران معتقدند خداوند در این آیه «مجازاً» به جای «تذکر و موعظه» از «وقایه» یاد کرده است و یا از باب «استعاره» و با «تشبیه» موعظه به «وقایه» (سپر)، نقش موعظه را مورد مبالغه و تأکید قرار داده است. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۸ / ۳۲۷)

«ایمان به معاد» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰) و «توجه دادن به نظام پاداش و جزا» (الصغیر، ۲۰۱۱: ۳۳۵) از روش‌های تربیتی قرآن است که نقش مهمی در ایجاد تقوی و اصلاح خود و دیگران دارد و در آیه مورد تأکید قرار گرفته است.

«تصویرسازی» از روش‌های هنری و تربیتی قرآن است. (مدکور، ۱۴۲۲: ۳۶۹ - ۳۶۴) ترسیم صحنه‌ای زیبا و دل‌ربا یا صحنه دهشتناک می‌تواند بر روح و روان آدمی تأثیر گذاشته و عقل و اندیشه وی را در جهت اهداف خود مدیریت کند. در تبلیغات نوین، این روش هنری بسیار برجسته است

و در بسیاری از موارد با تصویر و فیلم همراه است. قرآن کریم با تصویرسازی ذهنی به دنبال تحریک عاطفی و فکری مخاطب در جهت حرکت به سوی نقطه مطلوب است. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۶ / ۱۱۸) تصور صحنه‌ای که در آن فرزند جوانی در مقابل دیدگان پدر در لهیب آتش می‌سوزد و با فریادهای جانشوزش از فرشتگان، تقاضای توقف و تخفیف عذاب دارد و پدر و مادر او نیز از انجام هر کمکی عاجزند، هر خردمندی را به تفکر وامی‌دارد.

«تأکید و تکرار» از روش‌های تربیتی است. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۸ و ۱۵۰) در این آیه با تأکید هدفمند بر عقوبت اخروی مسئولیت‌گریزی در تربیت خانواده با تعبیرهای «مَلَأْتُكَ غِلَظًا شِدَادًا»، «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ» و تکرار این مضمون با محتوایی نزدیک به آن: «وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» جنبه اندازی آیه را برجسته می‌کند. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۵ / ۴۵۶)

«روش الگویی» از روش‌های مؤثر تربیتی است. (الصغیر، ۲۰۱۱: ۲۷۵، دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۴۴) تربیت ابتدایی انسان، به‌طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد. (بندورا، ۱۳۷۲: ۲۴؛ داوودی، ۱۳۸۴: ۲۰۶) تقدّم «أنفسکم» بر «أهلکم» و به‌ویژه مخاطبان اصلی آن؛ یعنی پدر و مادر، می‌تواند اشاره به این نکته مهم باشد؛ اینکه آدمی باید اصلاح را نخست از خویش بی‌آغازد و تا زنجیر از پای خویش نگسلد، توان آزادسازی دیگران را ندارد. خودسازی شرط دیگرسازی است (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰)؛ بنابراین مؤمنان باید نقش الگویی خویش را متوجه باشند (خطیب، بی‌تا: ۱۴ / ۱۰۳۲) و بدانند که فرزندان و زیردستان، گفتار و رفتار آنان را نمایندنده زندگی ایمانی می‌دانند و شاکله شخصیت ایمانی خویش را در گام زیربنایی، نخست براساس آنان پی‌ریزی می‌کنند.

«تفنّن و تنوّع» در کلام و بهره‌گیری از اسلوب‌های بلاغی و کلامی گوناگون، از جمله روش‌های قرآن برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر است. (معرفت، ۱۴۱۵: ۵ / ۴۳۱) در این آیه اسلوب‌های مختلف، تأکید، تکرار، مبالغه، امر، تهدید، تذکیر، تکریم، تشبیه، مجاز، خطاب، موعظه، امر به معروف و نهی از منکر، محبت، تصویر و تجسم به کار رفته است.

و) عوامل تربیت در آیه وقایه

در کتاب‌های تعلیم و تربیت به عوامل تأثیرگذار بر تربیت اشاره می‌کنند. برخی از مهم‌ترین این عوامل در این آیه وجود دارد:

اراده

اراده عامل تربیت و سعادت انسان است. نراقی در جامع السعادات، سعادت را رسیدن هر شخصی با

حرکت ارادی خود به کمالی که در خلقت او نهاده شده است، می‌داند (نراقی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۶) در این آیه خداوند لازمه سعادت که در انسان مؤمن تجلی می‌یابد را نگهداری خود می‌داند که با پذیرش اصل اراده آزاد و اختیار معنا می‌یابد. تقدّم این عنصر در آیه می‌تواند بر نقش کلیدی آن در فرایند تربیت اشاره کند.

محیط

محیط تربیتی عبارت از تمام عوامل عادی خارجی است که انسان را احاطه کرده و او را از آغاز رشد؛ یعنی از زمان انعقاد نطفه در رحم تا زمان مرگ تحت تأثیر قرار می‌دهد. (صالح عبدالعزیز، ۱۹۷۶: ۱ / ۱۲۸) محیط خانه و خانواده، رفاقت و معاشرت، محیط مدرسه، محیط جغرافیایی و طبیعی و محیط اجتماعی از این دست است. از این میان نقش خانه و خانواده منحصر به فرد است. ساختار جسمانی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی انسان و نیز کسب فضایل و کمالات انسانی و بالعکس دفع رذایل و ناهنجاری رفتاری در آن تمهید می‌گردد؛ (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۰۸)؛ بر این اساس، قرآن کریم بر نقش کلیدی‌ترین عامل محیطی تأکید می‌ورزد و سالم‌سازی آن را از مدیران آن تقاضا می‌کند.

عوامل ماورای طبیعت

بر خلاف تربیت‌های غیر دینی که تغییر رفتار تنها از طریق عوامل محسوس و مادی هدف‌گذاری می‌گردد، در تربیت دینی به‌ویژه تربیت اسلامی نقش عوامل ماورای طبیعی مثل نقش خداوند و امداد و یاری او در تربیت مثبت و در نقطه مقابل آن شیطان، در تربیت منفی مورد تأکید است. خطاب آیه به اهل ایمان و توصیه‌های خداوند به ایشان بر نقش مستقیم الهی بر تربیت فکری و رفتاری انسان مؤمن دلالت دارد، چنان‌که مخاطب ساختن مؤمنان که به‌معنای مراقبت الهی بر اعمال و افکار آنان است، نقش تربیتی دیگری دارد. ایمان به معاد و دوزخ نیز از دیگر عوامل ماورائی مرتبط و مؤثر است. (قراّتی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۳۰)

ز) قلمرو اهداف تربیتی و ساحت‌های آن در آیه وقایه

اهداف تربیتی در سه حیطه کلی شناختی، عاطفی و رفتاری و ابعاد و ساحت‌های مختلفی تحلیل می‌شوند. (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۹۸) بر خلاف تعاریف مبتنی بر نظام تربیتی لیبرالیستی که حوزه و قلمرو تربیت انسان را به ساحت مادی، شناختی و رفتاری او محدود می‌کنند و نگرش درستی نسبت به ماهیت انسان و عوامل سعادت و رستگاری او ندارند، نظام تربیتی اسلام انسان را موجودی چند

ساختی می‌داند که رستگاری او در رشد متوازن همه ابعاد اعم از فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، اعتقادی، عرفانی، عبادی، و ... اوست. (الصغیر، ۲۰۱۱: ۱۷۴ - ۹۵) در آیه وقایه، طیف وسیعی از این اهداف و ساحت‌ها مورد عنایت قرار گرفته است که هم بعد فردی «قُوا أَنْفُسَكُمْ ... نَارًا» و هم بعد اجتماعی وجود وی او را شامل می‌شود.

«تربیت‌شناختی و عقلانی»: درخواست نگهداری از آتش با کاربرد فعل امر «قوا»، تلویحاً بر بعد شناختی تأکید دارد؛ زیرا وقتی به محافظت امر می‌کند، از آنجا که عمل به این دستور جز از طریق شناخت آتش و راه‌های شعله‌ور شدن و خاموش ساختن آن ممکن نیست؛ از این‌رو امر به شناخت هم در عرصه کنترل فردی و هم اجتماعی را شامل می‌شود. همچنین، محافظت والدین باید تمام آنچه را که مربوط به حوزه بینشی و شناختی وی از جمله آسیب‌های فکری، اعتقادی و معرفتی است را شامل شود. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۸ / ۴۴۱)

«تربیت اعتقادی» نیز که مرتبط به حوزه شناختی انسان است در این آیه نمونه‌هایی دارد. (اعرافی، موسوی، ۱۳۹۲: ۶ - ۳) تأکید بر ضرورت ایمان، که تجلی‌بخش حقیقت توحید است، تعریف حقیقت ایمان در تلفیق اعتقاد و عمل، باور به معاد و نظام پاداش و جزا و عدل الهی، باور به تجسم عمل در نظام پاداش و جزا، اعتقاد به ملائکه به‌عنوان کارکنان الهی از جمله جلوه‌های تربیت اعتقادی این آیه است.

«تربیت عاطفی»: زندگی انسان در تمام مراحل رشد تحت تأثیر عواطف اوست. نظر به این اهمیت، بعد عاطفی وجود انسان مورد توجه مصلحان، مربیان، هنرمندان و ... قرار گرفته ایشان به منظور تحریک، تأثیرگذاری و هدایت اندیشه‌ها از قابلیت‌های این بعد بهره گرفته‌اند. (بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۰) خشم، شادی، نفرت، علاقه، ترس و ... از جمله برجسته‌ترین نمودهای عواطفند که در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته‌اند. (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۲۸ - ۱۰۴) در این آیه، عاطفه محبت و علاقه، نفرت، و ترس مورد توجه قرار گرفته است. علاقه طبیعی انسان به فرزندان و خانواده موجب تلاش برای نجات آنان از مخاطرات می‌شود و خداوند بر روی همین دلبستگی وی تأکید می‌کند. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۷۶) ترس از خطرات و نفرت از بدعاقبتی، از دیگر عواطف بازدارنده است. خداوند با بیان عاقبت مخوف رها ساختن خود و خانواده، عاطفه خوف و نفرت آنان را در جهت بازدارندگی تحریک می‌نماید.

«تربیت عبادی و فقهی»: در این آیه جلوه‌هایی از تربیت عبادی و فقهی مشهود است: وجوب تربیت اعتقادی فرزندان (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶ - ۳)، وجوب ایمان و عمل صالح و نیز

وجوب امر به معروف و نهی از منکر و وعظ و ارشاد، آموزش و تأدیب خود و خانواده، وجوب ترک معاصی (برسوی، بی تا: ۱۰ / ۵۸؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۸ / ۵۳۸)، وجوب اطاعت از ولی امر (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۲۳۵) که از فراز «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» به دست می‌آید، از جلوه‌های تربیت فقهی است. بدیهی است که تمامی جلوه‌های تربیت فقهی مذکور، مصداقی از عبادت‌اند که دارای پاداش فراوانی است. امر به معروف و نهی از منکر به عنوان شاخص‌ترین جلوه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» در روایات چنان با ارزش توصیف شده است که تمام عبادات در کنار آن مانند قطره‌ای در برابر دریا دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۳۴)

«تربیت جنسی» نیز به نوعی مرتبط با تربیت عبادی و فقهی است. از مصادیق «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» حفظ خود و خانواده از شهوات سرکش (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱۴ / ۲۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۸۶) است. حفظ از این شهوات با برنامه‌ریزی خود و والدین صورت می‌گیرد و می‌تواند اموری چون مقدمات ازدواج تا انعقاد نطفه و تربیت فرزندان و پاکسازی محیط خانواده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۸۶) و پرهیز از معاشرت‌های آلوده و عدم اختلاط مرد و زن و مدیریت رسانه‌های دیداری و شنیداری وجودی خویش را شامل شود که این همه، در کریمه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» با همه اطلاق آن، نهفته است.

«تربیت اجتماعی»: تأکید بر محافظت خانواده، خطوط مسئولیت مؤمن را ترسیم می‌کند تا او را از چارچوب فردیت خارج کند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۶ / ۱۱۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۶۶) و قلمرو اجتماعی مسئولیت وی را گوشزد سازد.

«تربیت سیاسی» نیز مرتبط با تربیت اجتماعی و ذیل آن تحلیل می‌گردد. خانواده مهد تربیت است. انسان بسیاری از مؤلفه‌های تربیت سیاسی مانند مشارکت جمعی، پرهیز از خودکامگی، مسئولیت‌پذیری و ... را در دامن خانواده می‌آموزد. از آنجا که عزلت‌گزینی و فرار از مسئولیت‌ها و استبداد و خودرایی از مصادیق تربیت ناسالم است که خانواده و جامعه را به آتش می‌کشند، تلاش در جهت رفع این آسیب‌ها می‌تواند مصداق «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» باشد.

«تربیت عرفانی»: اهل اشاره گفته‌اند: باید پاک‌سازید خوشتن را از پلیدی محبت دنیا تا اهل و عیالتان به پیروی از شما صالح گردند؛ چه آنکه لغزش امام مایه لغزش مأمومین است. اهل آدمی در حقیقت کسی است که بین او و آدمی تعلق روحانی و اتصالی عاشقانه برقرار باشد و هر آنکه این‌گونه بود، در دنیا و آخرت با هم قرین خواهند بود. پس واجب خواهد شد که وی را مراقبت نماید و از آتش مصونش دارد چونان که با خویش چنین کند، پس اگر خویش را پاک سازد اما اندک

محبتی به جان‌های غبار گرفته داشته باشد، همان محبت، وی را بدان سو کشاند؛ بر این اساس است که بر انسان صادق و راست‌گو محبت اصفیا و اولیا واجب است تا با آنان محشور گردد؛ چراکه انسان با محبوب خویش محشور می‌شود. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۵۳)

نتیجه

رویکرد تربیتی به آیات ضمن آنکه پاسخ‌گوی نیازهای تربیتی انسان معاصر است، می‌تواند زوایای جدیدی را بگشاید و ابعاد جدید و جذابی را فراروی نهد و جلوه‌های شگفتی از زیبایی ظاهری و ژرفای باطنی قرآن را به نمایش گذارد. در پرتو تحلیل عمیق آیه کوتاه وقایه، این ظرفیت عظیم مورد اثبات قرار گرفت و ده‌ها نکته تربیتی در محورهای مبانی، اصول، روش‌ها، موانع، عوامل، ابعاد و ساحت‌های تربیتی مورد استخراج گردید. به اعتقاد نویسندگان، اگر نوع نگاه ارائه شده در این مقاله در خدمت دیگر آیات قرآن نیز قرار گیرد ابعاد وسیع تربیتی آنها روشن شده مقصد اصلی قرآن در تربیت انسان و رشد و تعالی وی اثبات شده و فصل نوینی در تعامل قرآن و علوم به‌ویژه دانش تعلیم و تربیت گشوده می‌شود. نویسندگان تأکید می‌کنند که پیام‌های استخراج شده، تمام معارف تربیتی این آیه نیست و تأمل بیشتر در محورها و مسائل دانش تعلیم و تربیت می‌تواند به استخراج معارف تربیتی گسترده‌تری منجر شود و حتی در نهایت ایده اعجاز تربیتی قرآن را به‌عنوان رویکرد نوینی در اعجاز قرآن به اثبات رساند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابراهیم شریف، محمد، ۱۴۲۹ ق، *اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم*، قاهره، دار السلام.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی‌تا، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌نا.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی‌الدین بن احمد، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۱، *فقه تربیتی*، ج ۱: مبانی و پیش‌فرض‌ها، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
- _____، ۱۳۹۳، *درآمدی بر تفسیر تربیتی*، تقریر سید نقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.

- الباز، انور، ۱۴۲۸ ق، *التفسیر التربوی للقرآن الکریم*، قاهره، دار النشر للجماعات.
- الدوسری، ابراهیم سعید، بی تا، *ملاحظ التفسیر التربوی* به آدرس: <http://dousari.net/mktba/newsn>
- الصغیر، احمد حسین، ۲۰۱۱ م، *اصول التربیه الاسلامیه فی ظلال القرآن الکریم و سنه النبویه*، عمان، الآفاق المشرقه ناشرون.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۶، *شرح چهل حدیث*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ایازی، سید محمد علی، ۱۳۸۱، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران، ناهید و دوستان.
- _____، ۱۳۸۶، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۳، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- برسوی، اسماعیل، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- بندورا، آلبرت، ۱۳۷۲، *نظریه یادگیری اجتماعی*، ترجمه فرهاد ماهر، شیراز، راه گشا.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۷، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پلاجیک، روبرت، ۱۳۷۱، *هیجانها*، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۴ ق، *تقریب القرآن الی الاذهان*، بیروت، دار العلوم.
- حسینی زاده، سید علی، ۱۳۸۹، *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام*، ج ۴: نگرشی بر آموزش، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- داوودی، محمد، ۱۳۸۴، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۸۶، *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام*، ج ۲: تربیت دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *تفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.

- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، ذکر.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۶۶، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- صالح عبدالعزیز، عبدالمجید، ۱۹۷۶ ق، *التربیه و طرق التدريس*، قاهره، دار المعارف.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- عالم‌زاده نوری، محمد، حسن بوسلیکی و حسن مرادی، ۱۳۹۲، *نقش مربی در تربیت اخلاقی معنوی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۵، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- لسانی فشارکی، محمدعلی، ۱۳۹۰، *تفسیر هدایتی و تربیتی، دائرةالمعارف قرآن کریم*، ج ۸، قم، بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محجوب، عباس، ۱۴۰۸ ق، *اصول الفکر التربوی فی الاسلام*، بیروت، مؤسسه علوم القرآن، دار ابن کثیر.
- مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۷، *تفسیر هدایت*، جمعی از مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مدکور، علی احمد، ۱۴۲۲ ق، *منهج التربية فی التصور الاسلامی*، قاهره، دار الفکر العربی.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- میبیدی، رشیدالدین، ۱۳۷۱، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، امیر کبیر.
- میرزاخان، حسین، ۱۳۶۹، نخستین تفسیر تربیتی، اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- نحلاوی، عبدالرحمن، ۱۴۲۰ ق، اصول التریبۃ الاسلامیه، بیروت، دار الفکر المعاصر.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۳ ق، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلاتر، نجف، منشورات جامعه النجف الدینیّه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، ۱۳۸۵، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.
- هلالی، مجدی، ۱۴۳۱ ق، نظرات فی التریبۃ الایمانیه، قاهره، مؤسسه اقرا.

ب) مقاله‌ها

- اعرافی، علیرضا و نقی موسوی، ۱۳۹۲، «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، فقه، ش ۷۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- اعرافی، علیرضا، علی همت بناری و محمدعلی رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، «اقتراح: مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، قرآن و علم، (نشست تخصصی)، ش ۳، ص ۲۲ - ۹، قم، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی علیه السلام.
- بهشتی، محمد، ۱۳۷۹، «تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام»، از مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام، قم، نشر تربیت اسلامی.
- سجادی، سید مهدی، ۱۳۷۹، «ابعاد و قلمرو اهداف تربیتی با تأکید بر آموزه‌های انسان‌شناختی امام علی علیه السلام»، از مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام، تهران، نشر تربیت اسلامی.
- صالحی، سید عباس، «تربیت‌اندیشی قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۸، ش ۶۰ - ۵۹، ص ۲۹ - ۴، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ناطقی، غلامحسین، ۱۳۸۷، «قلمرو تفسیر تربیتی»، قرآن و علم، ش ۳، ص ۳۴ - ۲۳، قم، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی علیه السلام.
- هاشمی علی‌آبادی، سید احمد، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، معارف، ش ۱۰۰، ص ۴ - ۲، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

